

A Semantic Analysis of "Satan's Share in Human Wealth and Offspring" Based on the Phrase "شَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ" in the Holy Quran

Fatemeh Moradzadeh / Master's Student in Theology and Islamic Studies, specializing in Quranic Sciences and Hadith, Imam Reza International University, Mashhad, Iran
f.moradzadeh@imamreza.ac.ir

 **Ne'matollah Firoozi** / Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Imam Reza International University, Mashhad, Iran
firoozi@imamreza.ac.ir

Received: 2025/05/14 - **Accepted:** 2025/08/09

Abstract

This research conducts a semantic analysis of the phrase "وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ" (And share with them in wealth and children) in the Holy Quran. Given that this phrase is not repeated in other Quranic verses, its semantic analysis requires meticulous attention. Utilizing semantic techniques such as syntagmatic and paradigmatic analysis, the semantic network of this phrase has been explored. The results indicate that the imperative verb "شَارِكْ" (share) semantically correlates with concepts such as تَحَزُّب (partisanship), أُخُوَّة (brotherhood), تَوَلَّى (alliance), and قَرِين (companion) from various perspectives. At the secondary layer of the semantic network of this phrase, concepts such as temptation, leading astray, inviting to sin, and embellishing reprehensible matters are situated. By examining both Shi'a and Sunni exegetical sources, this study also analyzes the instances of Satan's participation in human wealth and offspring. Key findings include uncovering the semantic network of the verb شَارِك (to share) and providing a comprehensive categorization of the manifestations of Satan's participation.

Keywords: share, wealth, offspring, Satan, human.

نوع مقاله: پژوهشی

معناشناسی «مشارکت شیطان در اموال و اولاد انسان» با تکیه بر عبارت «و شَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ» در قرآن کریم

فاطمه مرادزاده / دانشجوی کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی گرایش علوم قرآن و حدیث، دانشگاه بین‌المللی امام رضا^ع، مشهد، ایران
f.moradzadeh@imamreza.ac.ir

firoozi@imamreza.ac.ir

دکتر نعمت‌الله فیروزی  / استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا^ع، مشهد، ایران

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۹

دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۴

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی معناشناختی عبارت «و شَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ» در قرآن کریم می‌پردازد. با توجه به عدم تکرار این عبارت در آیات دیگر قرآن، تحلیل معنایی آن نیازمند دقت بیشتری است. در این تحقیق، با استفاده از تکنیک‌های معناشناسی مانند هم‌نشینی و جانشینی، شبکه معنایی این عبارت تحلیل شده است. نتایج نشان می‌دهد که فعل امر «شَارِكْ» از نظر معنایی با مفاهیمی مانند «تَحْزُبُ»، «أُخُوَّةُ»، «تَوَلَّى» و «قَرِینَ» دارای قرابت از جهات مختلف است. در لایه دوم شبکه معنایی این عبارت، مفاهیمی همچون وسوسه کردن، گمراه کردن، دعوت به گناه و زینت دادن امور ناپسند قرار می‌گیرند. این پژوهش با بررسی تفاسیر شیعه و اهل سنت، مصادیق مشارکت شیطان در اموال و اولاد انسان را نیز تحلیل کرده و به دستاوردهایی همچون کشف شبکه معنایی فعل «شَارِكْ» و ارائه دسته‌بندی جامع از مصادیق مشارکت شیطان دست یافته است.

کلیدواژه‌ها: مشارکت، اموال، اولاد، شیطان، انسان.

مقدمه

تفاوت در اولویت‌بندی مباحث است؛ چراکه در تفسیری مانند *الجامع لأحكام القرآن*، اغلب تأکید بر تحلیل‌های فقهی و احکام شرعی عملی است، درحالی‌که در تفاسیر شیعه مانند *المیزان*، توجه به جنبه‌های معنوی، نیتی، و روان‌شناختی اعمال انسان بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. به‌عنوان نمونه، قرطبی مشارکت شیطان در اموال را ناظر به ربا، وصیت، و جنبه‌های احکام مالی می‌داند (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۰، ص ۲۸۸)، اما علامه طباطبائی، آن را متضمن تأثیر شیطان بر نیت و تصمیم‌گیری انسان می‌داند، حتی اگر ظاهر عمل مطابق شرع باشد (طباطبائی، ۱۳۷۸ ج ۱۳، ص ۲۰۱).

در روایتی دیگر از امام علی علیه السلام آمده است: «شیطان در رحم مادران شرکت می‌کند تا فرزندان، دشمن اهل بیت علیهم السلام شوند» (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۴۴۸). این روایت نشان می‌دهد که مشارکت شیطان تنها به حوزه مادی محدود نیست، بلکه شامل تأثیرگذاری بر روح و روان انسان نیز می‌شود.

حسین بن سعید در کتاب *الزهد* نقل می‌کند: از امیر المؤمنین علیه السلام شنیدم که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «همانا خداوند بهشت را بر هر شخص بلزبان، گستاخ و بی‌حیا حرام کرده است؛ کسی که اهمیتی نمی‌دهد چه می‌گوید و دیگران درباره او چه می‌گویند؛ زیرا اگر او را بررسی کنی، نمی‌یابی جز اینکه برای کارهای پلید یا شریک شدن شیطان باشد.» مردی پرسید: ای رسول خدا، آیا در میان مردم کسی هست که شیطان در او شریک باشد؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا کلام خداوند عزوجل را نمی‌خوانی که می‌فرماید: «وَسَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ؟» پرسیدند: آیا در میان مردم کسی هست که اهمیتی به حرف‌های خودش یا دیگران درباره او ندهد؟ فرمود: «بله، کسی که به مردم تعرض می‌کند و درباره آنان سخن می‌گوید، درحالی‌که می‌داند آنان او را رها نمی‌کنند؛ این همان کسی است که اهمیتی نمی‌دهد چه می‌گوید و دیگران درباره‌اش چه می‌گویند» (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۵۴۶).

هرچند حدیث فوق از پیامبر صلی الله علیه و آله تا حد زیادی به‌معنای «وَسَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ» پرداخته است، با این وجود معناشناسی این عبارت در قرآن می‌تواند ما را تا حدی به ژرفای معنای مورد نظر پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد آن نزدیک نماید.

در این پژوهش، از تحلیل معناشناسی ساختاری با تمرکز بر دو محور هم‌نشینی و جانشینی استفاده شده است. در محور هم‌نشینی، عبارت «وَسَارِكُهُمْ» در کنار افعالی مانند «استغفر» و «أجلب» قرار گرفت تا شبکه معنایی آیه استخراج شود. در محور جانشینی، جایگزینی فعل

معنای یک واژه علاوه بر آنکه به‌طور مستقل و خارج از متن مشخص می‌شود تا حد زیادی تحت تأثیر بافت معنایی جملات و عبارات هم‌قرار دارد، به‌نحوی که بسیاری از اوقات یک واژه در دو متن متفاوت، معانی متفاوتی خواهد داشت. همین نکته، پایه‌ای است برای دانش معناشناسی که به محققان علوم مختلف در یافتن معنای حقیقی و یا شبکه معنایی کمک شایانی کرده است. یکی از مهم‌ترین روش‌ها که در علوم قرآنی هم مورد استقبال واقع شده است، استفاده از روابط هم‌نشینی و جانشینی کلمات با یکدیگر می‌باشد. در یک رابطه هم‌نشینی، «توجه به روابط معنایی واژگان یک متن، به کشف معانی جدیدی فراتر از حوزه لغوی، منتهی خواهد شد و تحلیل کاملی از یک متن ارائه می‌دهد» (پالمر، ۱۳۹۱، ص ۱۳). در یک رابطه جانشینی هم محققان بعد از تشخیص سیاق و معنای کلی یکسان بین دو عبارت، ممکن است به این نتیجه برسند که دو کلمه متفاوت، نقش معنایی نزدیک با قابلیت جانشینی با یکدیگر را دارند. به بیان دیگر، «در نسبت جانشینی، تقسیم‌بندی بر اساس شباهت موجود میان مفهوم‌ها و مدلول‌های واژه صورت می‌گیرد» (رکعی و نصرتی، ۱۳۹۶، ص ۱۳۰).

در مقاله حاضر با یکی از استثنائات خاص قرآنی در کاربرد واژگان مواجهیم که معناشناسی آن می‌تواند رموز جالبی را از زندگی انسان و نوع رابطه او با شیطان بگشاید. خداوند متعال در آیه ۶۴ اسراء می‌فرماید: «وَأَسْتَغْفِرُ مَنْ أَسْطَعَتْ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلَبُ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجْلِكَ وَسَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِذُّهُمْ وَمَا يَدْعُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا»؛ هر که از آنان را می‌توانی با صدایت به طرف خود دعوت کن؛ با سواره نظام و پیاده نظامت به آنها حمله کن. در ثروت‌ها و فرزندان‌شان شریک شو و به آنها وعده‌ها بده که البته شیطان جز وعده فریب به آنها نمی‌دهد.

عبارتی که معناشناسی آن در این مقاله مد نظر است، عبارت «وَسَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ» در آیه فوق است. بررسی روایات معصومان علیهم السلام نشان می‌دهد که مشارکت شیطان در اموال و اولاد انسان، تنها به مصادیق ظاهری محدود نمی‌شود، بلکه شامل لایه‌های پنهانی مانند تأثیرگذاری بر نیت افراد نیز می‌گردد. برای نمونه، در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است: «هر مال حرامی شریک شدن شیطان است» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۵۷، ص ۳۴۲). از سوی دیگر، روایات اهل سنت مانند تفسیر قرطبی، بیشتر بر جنبه‌های فقهی مانند ربا و وصیت نادرست تمرکز می‌کنند که نشان‌دهنده

«شارک» با واژگانی مانند «تولی» و «تحزب» بررسی شد تا دامنه معنایی آن مشخص گردد. از این رو این روش به ما امکان داد تا فراتر از معانی لغوی، به لایه‌های پنهان مفاهیم قرآنی دست یابیم.

همچنین، برای تحلیل مصادیق مشارکت شیطان، از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شد که شامل بررسی تفاسیر شیعه و اهل سنت، روایات معصومان علیهم‌السلام و تطبیق آنها با مسائل معاصر بود.

بیشتر مفسران قرآن کریم ذیل آیه ۶۴ اسراء دیدگاه‌های تفسیری مبسوطی ارائه داده‌اند و به معنایی که باری تعالی از عبارت «وَشَارِكُهُمْ فِی الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ» اراده فرموده است، اشاره نموده‌اند، البته بررسی نشان داد که پژوهش علمی و مستقلی به روشی که در این مقاله با تکیه بر دانش معناشناسی مورد نظر است، انجام نشده است.

۱. کاربرد «شَارِكُهُمْ فِی الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ» در قرآن

فعل امر «شارک» از باب مفاعله در قرآن فقط یک بار و آن هم خطاب به شیطان در آیه ۶۴ اسراء آمده است، البته «شرک» و مشتقات آن مانند شُرَکَاءُکُمْ، تُشْرِکُ، يُشْرِکُونَ، مُشْرِکِینَ، يُشْرِکُ، شَرِیک، أَشْرِکُ، أَشْرَکُوا، مُشْتَرِکُونَ، مُشْرِکَات و شارکهم در مجموع حدود ۱۶۹ بار در ۱۴۳ آیه تکرار شده‌اند که به شرح ذیل است:

ردیف	مشتقات شرک در قرآن	آیات	تعداد
۱	شِرْک	احقاف: ۴؛ سبأ: ۲۲؛ فاطر: ۴۰؛ لقمان: ۱۳	۴
۲	بَشِرْکُکُمْ	فاطر: ۱۴	۱
۳	شُرَکَاؤُکُمْ	فاطر: ۴۰؛ قصص: ۶۴؛ یونس: ۲۸؛ روم: ۴۰؛ یونس: ۳۴؛ انعام: ۲۲؛ اعراف: ۱۹۵؛ یونس: ۳۵؛ یونس: ۷۱	۹
۴	شُرَکَاؤُهُمْ	یونس: ۲۸؛ انعام: ۱۳۷	۲
۵	شُرَکَانِهِمْ	روم: ۱۳؛ انعام: ۱۳۶؛ نحل: ۸۶	۳
۶	بَشِرْکَانِهِمْ	روم: ۱۳؛ قلم: ۴۱	۲
۷	لِشُرَکَائِنَا	انعام: ۱۳۶؛ نحل: ۸۶	۲
۸	لِشُرَکَانِهِمْ	انعام: ۳۶	۱
۹	شُرَکَاءَ	اعراف: ۱۹۰؛ قلم: ۴۱؛ سبأ: ۲۷؛ انعام: ۱۰۰؛ زمر: ۲۹؛ روم: ۲۸؛ شوری: ۲۱؛ انعام: ۱۳۹؛ انعام: ۹۴؛ یونس: ۶۶؛ رعد: ۱۶ و ۳۳؛ نساء: ۱۲	۱۳
۱۰	شُرَکَائِی	کهف: ۵۲؛ قصص: ۶۲؛ قصص: ۷۴؛ نحل: ۲۷؛ فصلت: ۴۷	۵
۱۱	تُشْرِکُ	لقمان: ۱۳؛ حج: ۲۶	۲
۱۲	يُشْرِکُ	حج: ۳۱؛ نساء: ۱۱۶ (۲ بار)؛ کهف: ۱۱۰؛ نساء: ۴۸ (۲ بار)؛ غافر: ۱۲؛	۹

	کهف: ۲۶؛ مائده: ۷۲		
۱۳	تُشْرِکُ	عنکبوت: ۸	۱
۱۴	تُشْرِکُوا	نساء: ۳۶؛ اعراف: ۳۳؛ انعام: ۱۵۱	۳
۱۵	تُشْرِکُ	جن: ۷؛ آل عمران: ۶۴؛ یوسف: ۳۸	۳
۱۶	يُشْرِکُونَ	اعراف: ۱۹۰؛ مؤمنون: ۹۲؛ نحل: ۱؛ قصص: ۶۸؛ طور: ۴۳؛ روم: ۳۵؛ روم: ۴۰؛ نحل: ۵۴؛ نمل: ۵۹؛ مؤمنون: ۵۹؛ روم: ۳۳؛ نحل: ۳؛ حشر: ۲۳؛ عنکبوت: ۶۵؛ زمر: ۶۷؛ نمل: ۶۳؛ توبه: ۳۱؛ یونس: ۱۸؛ اعراف: ۱۹۱	۱۹
۱۷	تُشْرِکُونَ	غافر: ۷۳؛ انعام: ۶۴؛ انعام: ۴۱؛ انعام: ۷۸؛ هود: ۵۴؛ انعام: ۸۰؛ انعام: ۱۹	۷
۱۸	يُشْرِکِنَ	ممتحنه: ۱۲	۱
۱۹	مُشْرِکِینَ	حجر: ۹۴؛ حج: ۳۱؛ نحل: ۱۲۰؛ روم: ۴۲؛ آل عمران: ۹۵؛ غافر: ۸۴؛ توبه: ۴؛ انعام: ۱۰۶؛ بقره: ۱۳۵؛ بقره: ۲۲۱؛ انعام: ۱۳۷؛ توبه: ۶؛ انعام: ۷۹؛ توبه: ۱؛ یونس: ۱۰۵؛ روم: ۳۱؛ انعام: ۱۴؛ انعام: ۲۳؛ انعام: ۱۶۱؛ قصص: ۸۷؛ یوسف: ۱۰۸؛ آل عمران: ۶۷؛ بقره: ۱۰۵؛ توبه: ۵؛ توبه: ۴؛ توبه: ۳۶؛ شوری: ۱۳؛ احزاب: ۷۳؛ فتح: ۶؛ بینه: ۱؛ بینه: ۶	۳۱
۲۰	لِلْمُشْرِکِینَ	توبه: ۱۷؛ توبه: ۱۱۳؛ توبه: ۷؛ فصلت: ۳۶	۴
۲۱	مُشْرِک	نور: (۲ بار)؛ بقره: ۲۲۱ (۲ بار)	۴
۲۲	مُشْرِکَات	بقره: ۲۲۱؛ احزاب: ۷۳؛ فتح: ۶	۳
۲۳	مُشْرِکُونَ	نحل: ۱۰۰؛ توبه: ۳۳ و ۲۸؛ یوسف: ۱۰۶؛ صف: ۹	۵
۲۴	لَمُشْرِکُونَ	انعام: ۱۲۱	۱
۲۵	مُشْتَرِکُونَ	زخرف: ۳۹؛ صافات: ۳۳	۲
۲۶	شَرِیک	انعام: ۱۶۳؛ اسراء: ۱۱۱؛ فرقان: ۲	۳
۲۷	أَشْرِکُ	جن: ۳۰؛ کهف: ۳۸؛ کهف: ۴۲؛ رعد: ۴۲؛ غافر: ۳۶	۵
۲۸	أَشْرِکُ	اعراف: ۱۷۳	۱
۲۹	أَشْرِکَت	زمر: ۶۵	۱
۳۰	أَشْرِکْتُمْ	انعام: ۸۱ (۲ بار)	۲
۳۱	أَشْرِکْتُمُونِ	ابراهیم: ۲۲	۱
۳۲	أَشْرِکْنَا	انعام: ۱۴۸	۱
۳۳	أَشْرِکُوا	یونس: ۲۸؛ انعام: ۱۰۷؛ انعام: ۱۴۸؛ نحل: ۸۶؛ انعام: ۲۲؛ انعام: ۸۸؛ مائده: ۸۲؛ آل عمران: ۱۸۶؛ حج: ۱۷؛ نحل: ۳۵؛ بقره: ۹۶؛ آل عمران: ۱۵۱	۱۳
۳۴	أَشْرِکَہ	طه: ۳۲	۱
۳۵	شَارِکِہم	اسراء: ۶۴	۱

جدول ۱: کاربرد قرآنی و مشتقات «شرک»

۲. مفهوم‌شناسی

«شَرِک» در زبان عربی از ریشه شَرِک مشتق شده و از باب مفاعله و دارای دو معنای لغوی و اصطلاحی است. این فعل امر به معنای مشارکت کردن یا همکاری کردن در یک کار یا فعالیت است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۲۰). در منابع لغوی معتبر مانند *لسان العرب*، به این معناست که از شخص خواسته می‌شود تا در یک فعالیت به صورت فعال وارد شده و در آن مشارکت کند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۴۴۸)، به‌ویژه در زمینه‌هایی مانند کار مشترک یا بهره‌مندی از سهم و نصیب در امور مختلف (نجار، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۸۰؛ بضمه جی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۲۷). در برخی منابع نیز این فعل به‌ویژه در زمینه‌های شراکت در قالب بیع به‌مثابه یک شرکت اقتصادی آمده است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۲۷۶).

۳. مشتقات «شَرِک» و «شَرِک» با معنای بدون طرفیت خداوند متعال

از میان ۱۶۹ مورد یافت‌شده در جدول (۱)، ۱۶۳ مورد به معنای اصطلاحی شرک یا همان شرک به خداوند سبحان آمده است و درواقع یک طرف رابطه شرک در آنها، خداوند سبحان است. فقط در ۶ مورد است که معنای واژه مشتق شده به شراکت بین دو یا چند موجود غیر از خداوند سبحان اشاره دارد:

ردیف	آیه	معنی	سوره: شماره آیه
۱	«وَلَنْ يَنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنْتُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ»	و [در جوابشان خطاب می‌شود] امروز هرگز [این آرزو] به شما سودی نمی‌بخشد؛ زیرا [همگی] ستم کردید؛ قطعاً [همه] شما در عذاب مشترک‌اید	زخرف: ۳۹
۲	«فَأَنْتُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ»	بنابراین قطعاً آن روز همگی آنان در عذاب مشترکند	صافات: ۳۳
۳	«وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِّذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَى أَزْوَاجِنَا وَإِنْ يَكُن مِّمَّةٌ فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ»	و گفتند: آنچه در شکم‌های این دام‌هاست، ویژه مردان ماست و بر زنانمان حرام است، و اگر مرده بود، در آن صورت [همه] آنها در آن شریک‌اند.	انعام: ۱۳۹
۴	«وَأَشْرَكَ فِي»	و او را در کارم (ابلاغ رسالت)	طه: ۳۲

شریک ساز.	أمری	
نساء: ۱۲	«وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ... فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثَّلَاثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةِ يُوصِي بَهَا أَوْ ذِينَ غَيْرِ مَضَارٍ وَصِيَّةٍ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ خَلِيمٌ»	برای شما [مردان] نصف آنچه همسرانتان [به عنوان ارث] به جا می‌گذارند خواهد بود. [البته] اگر برای آنها فرزندی نباشد... و اگر [برادران و خواهران میت] بیش از یک نفر باشند در آن صورت همگی در یک سوم [میراث به صورت تساوی] شریک اند، [البته] پس از [استثناء] وصیتی که [میت] به آن وصیت نموده یا بدهکاری [که بر عهده اوست] در صورتی که [وصیت] زبانی به ورثه نرساند، درحالی که [اینها] سفارشی [لازم الاجراء] از جانب خداست و خدا دانای بردبار است
اسراء: ۶۴	«وَأَسْتَغْفِرُ مَنْ أَسْتَعْتَمَتْ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبَ عَلَيْهِمْ بِخَيْكِ وَزَجَلِكِ وَشَارِكِهِمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدْتَهُمْ وَمَا يَعْزُبُ عَنْ السَّيْطَانِ إِلَّا غُرُورًا»	و هر که از آنان را توانی با آواز خویش تحریک کن، و با سواران و پیادگانت بر آنان بتاز، و با آنان در مال‌ها و فرزندان شرکت جو، و آنان را وعده ده؛ و [باید بداند که] شیطان جز وعده‌های فریبنده به آنان نمی‌دهد.

جدول ۲: کاربرد قرآنی با معنای بدون طرفیت خداوند متعال

با بررسی ۶ آیه فوق مشاهده می‌کنیم که در دو آیه ابتدایی، به مشترک بودن عذاب بین دو گروه، در آیه سوم به مشترک بودن آنچه در شکم دام‌هاست اشاره شده است. در آیه چهارم و پنجم نیز به مشارکت دادن در امر ابلاغ رسالت و شراکت افراد در اموال موروثی توجه شده است. از این رو فقط در آیه ششم، «شَرِک»، به شریک شدن شیطان با انسان اشاره دارد. به این ترتیب می‌توان گفت که تنها آیه‌ای است که خداوند متعال در آن به موضوع شریک شدن انسان و شیطان در یک امر می‌پردازد.

۴. معناشناسی شراکت شیطان در امور انسان بر پایه مصادیق تفسیری

معنا و مصداق، دو مفهومی هستند که همواره در کنار یکدیگر هستند، به نحوی که می‌توان گفت: معنا عملاً بدون وجود خارجی و یا حداقل وجود ذهنی مصداق، وجود ندارد و حضور مصداق در شبکه معنا، عملاً

اجتناب‌ناپذیر است. از این رو به اعتقاد بسیاری از منطق‌دانان و فیلسوفان، یکی از اصلی‌ترین روش‌ها برای رسیدن به معنا و ادراک آن، بررسی مصادیقی است که برای یک معنا مطرح است (صدرالمتألهین، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۸۱؛ مطهری، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۰ و ۱۳۴؛ میردامادی و صابری، ۱۳۸۹). از این رو با بررسی تفاسیر و مصادیق مختلف، تلاش می‌کنیم به شبکه معنایی مناسبی برای این عبارت برسیم.

۴-۱. معنای شرکت شیطان در اموال انسان

۴-۱-۱. ربا

علامه طباطبائی درباره شرکت شیطان در اموال می‌فرماید: «شرکت جز در ملکیت و اختصاص تصور نمی‌شود و لازمه‌اش این است که شریک در استفاده از آن ملک - که غرض از تحصیل آن همان استفاده است - سهیم باشد»، به همین دلیل، مال به‌عنوان یک عین خارجی مستقل از انسان، محلی برای مشارکت شیطان می‌شود. انسان از راه ربا، یعنی کسب درآمد حرام، مالی به دست می‌آورد که از دیدگاه الهی ناپسند است. در چنین حالتی، هرچند انسان به اهداف دنیوی خود می‌رسد، اما شیطان نیز به غرض خود - یعنی دور کردن انسان از رحمت الهی - ناقل می‌شود (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۲۰۱). صاحب تفسیر نمونه ضمن اینکه ربا را یکی از مصادیق مشارکت شیطان در مال آدمی می‌داند با انتقاد از مفسرانی که مشارکت شیطان در اموال را به خوردن ربا محدود نموده‌اند، می‌گوید که این شرکت، همه اموال حرام و غیر آن را شامل می‌شود (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۱۲، ص ۱۸۲). از این رو برخی مفسران گفته‌اند مقصود از شرکت در اموال، همان رباخواری است، ولی تعبیرات آیه معنای وسیعی دارد و شامل هر گونه مال حرام می‌شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱۲، ص ۱۱۵؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۴۷۵). همچنین صابونی از مفسران اهل سنت در شرح این آیه می‌گوید: و در مال و اولاد آنها خود را شریک قرار بده، یعنی آنها را وادار کن از طریق حرام مالی به دست بیاورند و در معصیت آن را مصرف کنند. (صابونی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۶۳۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۷۷).

صاحب تفسیر/التحریر و التتویر نیز به موارد مشابهی اشاره کرده است: «ان یکون للشیطان نصیب فی اموالهم و هی انعامهم و زروعهم اذ سول لهم ان يجعلوا نصيبا فی التناج و الحرق الأصنام. و هی من مصارف الشیطان لأن الشیطان هو المسؤول للناس

باتخاذها...» (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۴، ص ۱۲۳)؛ اینکه شیطان سهمی در اموالشان داشته باشد، شامل چهارپایان و زراعت آنهاست، همان‌طور که شیطان آنان را وسوسه کرد تا سهمی از محصولات و دام‌هایشان را برای بت‌ها اختصاص دهند. این کارها از مصارف شیطان محسوب می‌شود؛ چراکه شیطان همان کسی است که مردم را به انجام چنین کارهایی ترغیب می‌کند... .

۴-۱-۲. تحصیل مال حرام

شیطان با وسوسه‌های خود، انسان را به کسب درآمد از مسیرهای غیرمشروع سوق می‌دهد. علامه طباطبائی این نوع مشارکت را ناشی از سهیم بودن شیطان در اموال انسان می‌داند: «مال حرام، به‌ویژه از طریق فریب و وسوسه‌های شیطان، وسیله‌ای می‌شود که او در اموال آدمی سهیم گردد» (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۲۰۱). در همین زمینه، برخی مفسران تأکید دارند که تحصیل مال حرام، از جمله تقلب، سرقت، و دست‌کاری اقتصادی توسط قدرت‌های استکباری، از مصادیق آشکار مشارکت شیطان در اموال است؛ زیرا استعمارگران در عصر حاضر با به یغما بردن منابع اقتصادی ملت‌های ضعیف، به مشارکت شیطان در اموال دامن می‌زنند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۱۲، ص ۱۸۲). همچنین صاحب کشف با اشاره به کسب‌های حرام و در توصیف این مفهوم می‌نویسد: «وَ أَمَّا الْمُشَارَكَةُ فِي الْأَمْوَالِ فَهِيَ كُلُّ مَعْصِيَةٍ يَحْمِلُهَا عَلَيْهِا فِي كَسْبِهِمْ، كَالرَّبَا، وَ الْمَكَايِبِ الْمُحَرَّمَةِ، وَ تَصْرِيفِهَا فِي مَا لَا يَحِلُّ» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۷۷).

۴-۱-۳. استفاده از مال حرام

علاوه بر تحصیل مال حرام، یکی از مصادیق مشارکت شیطان، وادار کردن انسان به استفاده از این اموال در مسیرهایی است که مغایر با دستورات الهی باشد. علامه طباطبائی این نوع مصرف را بهره‌برداری از مال در راه معصیت توصیف می‌کنند: «انسان، گاه مالی را از راه حلال به دست می‌آورد، اما شیطان او را وسوسه می‌کند تا آن مال را در گناه و فساد مصرف نماید» (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۲۰۱؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۱۲، ص ۱۸۲).

طبرسی نیز می‌نویسد: «وَ فِي بَابِ الْأَمْوَالِ، كَصْرِفِهَا فِي الْفُسُوقِ، وَ النَّفَقَةِ الْمُحَرَّمَةِ، وَ عَدَمِ إِيْتَاءِ الزَّكَاةِ» (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۴۷۵)؛ مراد از شرکت شیطان در اموال و اولاد مردم تمام گناهانی است که

اصلی‌ترین مظاهر مشارکت شیطان در اولاد انسان است (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۲۰۱ و ۲۰۲). شیخ طبرسی نیز این‌گونه بیان می‌کند: و در باب اولاد، مثل ایجاد فرزند از راه‌های نامشروع، از قبیل زنا و غیر آن و فرزندخواندگی بدون رابطه پدری (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۴۷۵).

همچنین برخی مفسران اهل سنت در شرح این آیه می‌گویند: و در مال و اولاد آنها خود را شریک قرار بده، و در مورد اولادشان اختلاط زن و مرد را تحسین کن تا فسق و فجور رواج پیدا کند و حرام‌زاده زیاد شود (صابونی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۶۳۵؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۴، ص ۱۲۴).

شیطان، شرکت خود در اولاد انسان را به‌منزله شرکت در رحم مادران و دشمن شدن اولاد انسان با اهل‌بیت علیهم‌السلام دانسته است. در حدیثی از امام علی علیه‌السلام نقل شده است که: نزد پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رفتم در زمانی که در آن وقت نزد او نمی‌رفتم، مردی را دیدم که نزد او نشسته و قیافه به‌هم‌ریخته‌ای دارد و او را پیش از آن نمی‌شناختم، چون مرا دید به سرعت بیرون شد. گفتم: «ای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم او چه کسی است که من پیش‌تر او را ندیده بودم؟» گفت: «این ابلیس، بزرگ ابلیس‌هاست. از پروردگارم خواستم که او را به من نشان بدهد و او را جز من و تو کسی در این قیافه ندیده است؟» می‌گوید: او را دنبال کردم و او را نزد سنگ‌های روغن دیدم، پس او را گرفتم و به آن سنگ زدم و بر سینه‌اش نشستم، گفت: «یا علی چه می‌خواهی؟» گفتم: «می‌خواهم تو را بکشم. گفت: تو بر من تسلطی نداری؟ گفتم: چرا؟ گفت: چون پروردگارت تا روز قیامت به من مهلت داده است، مرا رها کن یا علی که نزد من وسیله‌ای برای تو و فرزندان وجود دارد. گفتم: آن چیست؟ گفت: هیچ کسی تو و فرزندان را دشمن نمی‌دارد، مگر اینکه من در رحم مادرش شرکت می‌کنم، آیا خداوند نگفته است: «وَ شَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ» (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۴۹۹).

هرچند این معنا به‌طور مستقیم در قرآن نیامده است، ولی می‌تواند مصادیق متعددی داشته باشد که به کمک تفاسیر قرآنی می‌توان به آنها دست یافت. در تأیید این معنا می‌توان به حدیثی از امام محمدباقر علیه‌السلام اشاره نمود (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۵۷، ص ۳۴۲).

۴-۲-۲. عدم تربیت فرزند با آداب الهی

یکی از مهم‌ترین راه‌های مشارکت شیطان در اولاد انسان، عدم تربیت فرزندان بر اساس آداب الهی و آموزه‌های دینی است. علامه

شیطان آنها را به آن وادار می‌کند. در باب اموال مثل مصرف آن در راه فسق و فجور و ندادن زکات و جز اینها. در تأیید این معنا می‌توان به حدیثی از امام محمدباقر علیه‌السلام اشاره نمود. محمد بن مسلم می‌گوید: از امام باقر علیه‌السلام درباره سهم و بهره و مشارکت شیطان پرسیدم که در آیه «وَ شَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ» آمده است. فرمود: هر مال حرامی شریک شدن شیطان است (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۵۷، ص ۳۴۲).

۴-۱-۴. تبدیل اموال به سائبه و بحیره و وصیله

بر اساس آرای مفسران، از دیگر مصادیق مشارکت شیطان در اموال، تخصیص بخشی از دارایی‌ها برای اهداف جاهلی نظیر سائبه، بحیره و وصیله است و این اعمال، از رسوم جاهلیت بوده که شیطان با فریب انسان‌ها آن را در میان آنان رواج داده است (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۲۰۱). از این رو «و البحیره و السائبه» و تعیین نذر برای بحیره و سائبه (نوعی قربانی‌های جاهلی) را از مصادیق مشارکت شیطان در اموال می‌دانند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۷۷).

۴-۱-۵. پیشنهاد سرمایه‌گذاری و تأسیس شرکت‌ها و ایجاد انواع

کارخانه‌ها و مراکز تولیدی در کشورهای ضعیف

در عصر حاضر، استعمارگران با برنامه‌ریزی اقتصادی، به‌ویژه تأسیس شرکت‌های بین‌المللی و سرمایه‌گذاری در کشورهای فقیر، مصادیقی از مشارکت شیطان در اموال را به نمایش می‌گذارند. برخی مفسران این پدیده را چنین شرح می‌دهند: «ایجاد شرکت‌ها و کارخانه‌ها در کشورهای ضعیف، با هدف بهره‌کشی از منابع طبیعی و انسانی آنها، نمونه‌ای بارز از مشارکت شیطان در اموال ملت‌هاست» (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۱۲، ص ۱۸۲؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱۲، ص ۱۱۵).

۴-۲. معنای شرکت شیطان در اولاد انسان

۴-۲-۱. زنا

علامه طباطبائی معتقد است که فرزند موجودی است، مستقل و جدای از پدر و مادر و اگر غرض از مال و فرزند استفاده از آنها نبوده، هرگز انسان مالیتی برای مال و اختصاصی برای فرزند قائل نمی‌شود، پس شرکت کردن شیطان با آدمی در فرزند، سهم بردن از منفعت و اختصاص است. از دیدگاه ایشان، فرزند نیز همانند مال، موجودی مستقل و عینی است که ممکن است شیطان در بهره‌برداری از او شریک شود و زنا از

کنند. این رفتار جاهلی، یکی از نمودهای عینی وسوسه شیطان بود که انسان‌ها را به نابودی نسل خود سوق می‌داد.

۴-۲-۴. نام‌گذاری فرزندان به نام‌های ناپسند مانند عبد شمس، عبد حرث نام‌گذاری فرزندان به نام‌های مرتبط با بت‌ها یا مفاهیم شرک‌آلود نیز از دیگر مصادیق مشارکت شیطان است. زمخشری چنین می‌نویسد: «و التسمية بعد العزی و عبد الحرث» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۷۷)؛ نام‌گذاری‌هایی مانند عبدالعزی و عبدالحرث. ابن‌عاشور هم به این مضمون بیان می‌کند: «أَوْ أَنْ يُسَمُّوا أَوْلَادَهُمْ بَعْدَهُ الْأَصْنَام» (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۴، ص ۱۲۴)؛ یا فرزندان‌شان را با نام‌هایی که به عبادت بت‌ها مربوط است نام‌گذاری کنند.

۴-۲-۶. تأسیس مدارس، دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها، بیمارستان‌ها و جهانگردی برای گمراهی فکری جوانان توسط قدرت‌های جهانی آیت‌الله مکارم شیرازی این پدیده را به‌عنوان ابزاری مدرن برای مشارکت شیطان در انحراف فکری جوانان معرفی می‌کند و معتقد هستند که بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی و علمی که موجب گمراهی و فساد افراد انجام می‌شود در راستای مشارکت شیطان در اولاد انسان است. یکی از شیوه‌های مشارکت شیطان، جذب فرزندان به کمک بورس‌های تحصیلی و فرصت‌های آموزشی است که هدف آن تأثیرگذاری بر اندیشه و اعتقادات آنان است. از این‌رو جمعی از آنها را با کمک‌های سخاوتمندانه مثل طریق بورس تحصیلی به‌طور کامل به فرهنگ و برنامه خود جلب می‌کنند و در افکار آنها شریک می‌شوند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۱۲، ص ۱۸۲).

۴-۲-۷. ایجاد مراکز فساد تحت پوشش ساخت هتل‌های بین‌المللی، کلوپ‌های تفریحات و فیلم‌های گمراه‌کننده

ایجاد مراکز فساد تحت پوشش ساخت هتل‌های بین‌المللی و کلوپ‌های تفریحات سالم و سینماها و فیلم‌های گمراه‌کننده و مانند آن، یکی از رایج‌ترین برنامه‌های مخرب این شیاطین است که نه تنها فحشا را از این طریق ترویج می‌کنند و عامل فزونی فرزندان نامشروع می‌شوند، بلکه نسلی منحرف، سست، بی‌اراده، بی‌خیال و هوس‌باز از این طریق پرورش می‌دهند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۱۲، ص ۱۸۲؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱۲، ص ۱۱۵).

طباطبائی می‌نویسند: «و یا آنکه از راه حرام فرزندی برای آدمی به دنیا آید، و یا از راه حلال به دنیا آیند و لیکن به تربیت دینی و صالح تربیتش نکند و به آداب خدایی مؤدبش نسازد، در نتیجه سهمی از آن فرزند را برای شیطان قرار داده و سهمی را برای خودش» (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۲۰۱). پس اگر پدر و مادر فرزندان خود را با آداب الهی و تربیت صالح بار نیاورند، درواقع بخشی از فرزندان خود را به شیطان واگذار کرده‌اند. بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی و رسانه‌ای که توسط قدرت‌های استکباری طراحی می‌شود، با هدف انحراف تربیتی جوانان و فرزندان صورت می‌گیرد که اقدامات نمونه‌ای بارز از مشارکت شیطان در اولاد تلقی می‌شود (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۱۲، ص ۱۸۲).

زمخشری نیز به این مسئله اشاره کرده و می‌نویسد: «و الحمل علی الحرف الذمیمة و الأعمال المحظورة، و غیر ذلک، وادار کردن فرزندان به حرفه‌های مذموم و کارهای ممنوعه، و موارد دیگر از مصادیق این مشارکت است» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۷۷).

۴-۲-۳. یهودی، نصارا و مجوس ساختن فرزند

شیطان می‌تواند از طریق تأثیرگذاری بر والدین یا محیط، فرزندان را به مسیرهایی منحرف نظیر یهودیت، نصرانیت یا مجوسیت سوق دهد (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۲۰۱ و ۲۰۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۷۷).

این نکته به‌وضوح در روایات اسلامی نیز آمده است. پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ حَتَّى يَكُونَ أَبَوَاهُ يَهُودَانِهِ أَوْ يُنَصِّرَانِهِ أَوْ يُمَجَّسَّانِهِ» (حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۳۲)؛ هر نوزادی بر فطرت الهی متولد می‌شود، اما والدین او را یهودی، مسیحی یا مجوس می‌کنند؛ چراکه والدین با القای تدریجی عقاید انحرافی (یهودی / نصرانی / مجوسی کردن فرزند)، به‌عنوان ابزار شیطان عمل می‌کنند.

۴-۲-۴. زنده‌به‌گور کردن فرزند

یکی از مصادیق مشارکت شیطان در اولاد، زنده‌به‌گور کردن فرزندان است که در جاهلیت عرب رایج بود (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۲۰۲). ابن‌عاشور در این‌باره می‌نویسد: «مثل تسویله لهم یدوا أولادهم» (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۴، ص ۱۲۴)، اما مشارکت شیطان در امور فرزندان‌شان به این معناست که شیطان در احوال فرزندان‌شان سهیم باشد، مثلاً با وسوسه کردن آنها که فرزندان خود را زنده‌به‌گور

۹-۲-۴. عدم به یاد داشتن خداوند متعال توسط پدر و مادر در

هنگام انعقاد نطفه

نویسنده تفسیر قرآن مهر این مورد را به عنوان یکی از مصادیق مشارکت شیطان ذکر کرده و به نقل از برخی مفسران این گونه می نویسد: فرزندی که بدون یاد خدای نطفه آنان منعقد می شود، یکی از مصادیق این نوع شراکت است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱۲، ص ۱۱۵).

بنابراین مصادیق مشارکت شیطان در اموال و اولاد انسان، طیف وسیعی از رفتارها و اعمال را شامل می شود، از تحصیل و مصرف مال حرام گرفته تا انحراف فکری و اعتقادی نسل بشر. هر یک از این موارد، نمایانگر شبکه‌ای پیچیده از وسوسه‌های شیطانی است که از طریق تفاسیر مختلف شیعه و اهل سنت به تفصیل بیان شده‌اند.

۵. مقایسه نگاه‌های مفسران فریقین

مفسر	مکتب	مصادیق امور اموال	مصادیق امور اولاد	منبع
علامه طباطبائی	شیعه	ربا، مال حرام، تحصیل مال از راه غیر مشروع	زنا، تربیت نادرست، زنده به گور کردن	المیزان، ج ۱۳
زمخشری	اهل سنت	ربا، اسراف، مصرف مال در راه گناه	زنده به گور کردن، نامگذاری بچه‌ها	الکشاف، ج ۲
مکارم شیرازی	شیعه	استعمار اقتصادی، سرمایه گذاری ناعادلانه	انحراف فرهنگی، تأثیر رسانه‌ها بر جوانان	تفسیر نمونه، ج ۱۲
طبرسی	شیعه	ربا، غصب، مصرف مال در فسق و فجور	زنا، فرزندخواندگی نامشروع	جوامع الجامع، ج ۳
ابن عاشور	اهل سنت	ربا، اختصاص مال برای بچه‌ها	زنا، زنده به گور کردن، نام گذاری بچه‌ها	التحریر و التنبیر، ج ۱۴
صابونی	اهل سنت	تحصیل مال حرام، مصرف مال در معصیت	اختلاط زن و مرد، فسق و فجور	صفوة التفسیر، ج ۲
رضایی اصفهانی	شیعه	استعمار اقتصادی، غارت منابع ملتها	تأثیر رسانه‌ها، بورس‌های تحصیلی، همراه کننده	تفسیر قرآن مهر، ج ۱۲

جدول ۳: مقایسه دیدگاه‌های تفسیری

۵-۱. بررسی و ارزیابی دیدگاه‌ها

در بررسی تفاسیر شیعه و اهل سنت، اختلافات و اشتراکات قابل توجهی در تفسیر عبارت «وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ» مشاهده می شود. برای مثال، علامه طباطبائی در المیزان بر مصادیق مال حرام و تربیت نادرست فرزندان تأکید دارد، در حالی که زمخشری در الکشاف بیشتر بر مفاهیم ربا و اسراف تمرکز می کند. این تفاوت ممکن است ناشی از تفاوت در مبانی کلامی یا توجه به بافت اجتماعی باشد. از سوی دیگر، تفسیر نمونه با نگاه به مسائل معاصر، مصادیقی مانند استعمار اقتصادی را مطرح می کند که نشان دهنده انعطاف پذیری تفاسیر در مواجهه با چالش‌های نوین است.

نکته قابل تأمل این است که برخی مفسران مانند طبرسی و ابن عاشور، مصادیق مشارکت شیطان را به حوزه فردی محدود می کنند، در حالی که مفسران معاصر مانند آیت الله مکارم شیرازی و دکتر رضایی اصفهانی، ابعاد اجتماعی و سیاسی این مفهوم را نیز بررسی کرده‌اند. این تفاوت نشان دهنده تحول در روش‌های تفسیری و توجه به نیازهای زمانه است.

۶. بررسی همنشینی و جانشینی «و شارکهم فی الاموال و الاولاد»

با توجه به اینکه موضوع اصلی پژوهش در این مقاله معناشناسی «و شارکهم فی الاموال و الاولاد» می باشد که توسط خداوند خطاب به شیطان بیان شده است و محور بررسی‌های ما به موضوع شرکت شیطان با انسان در اموال یا اولاد انسان برمی گردد و هیچ کدام از کلمات مطرح در این عبارت به طور مستقل مورد بحث این مقاله نیست، روش همنشینی و جانشینی باید برای کل عبارت «و شارکهم فی الاموال و الاولاد» و یا حداقل یکی از عبارات «شارک فی الاموال» یا «شارک فی الاولاد» انجام شود تا به سر منزل مقصود برسیم.

۶-۱. همنشین‌های معنایی

با توجه به مطالب گفته شده در بخش کاربرد «شارکهم فی الاموال و الاولاد»، تنها همنشین‌های عبارت مورد نظر در همان آیه ۶۴ اسراء یافت می شوند که خداوند در ابتدای این آیه خطاب به شیطان دو عبارت را فرمودند و پس از «شارکهم فی الاموال و الاولاد» هم یک عبارت را فرموده‌اند که به عبارت مورد نظر ما مرتبط است.

۱) «وَأَسْتَفْزِرُ مَنْ اسْتَطَعَتْ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ»؛ و هر که از آنان را توانی با آواز خویش تحریک کن.

واژه «استَفْزِرُ» از ریشه «ف ز ز» مشتق شده و در قرآن تنها در همین آیه آمده است. برای تحلیل معنای این واژه، می‌توان از روش‌های لغوی و هم‌نشینی استفاده کرد. در مورد معنای لغوی این واژه، راغب اصفهانی بیان می‌کند که «استَفْزِرُ» به معنای «برانگیختن با سرعت یا تحریک به گونه‌ای که فرد به اضطراب یا حرکت واداشته شود» است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۳۵). این منظور نیز اشاره می‌کند که ریشه فز به معنای «خروج سریع و ناگهانی» است و «استَفْزِرُ» به تحریک شدید به حرکت یا گمراهی تعبیر می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۳۹۱).

در عبارت مورد نظر کلمه «استَفْزِرُ» با عباراتی مانند «بِصَوْتِكَ» و «بِخَيْلِكَ وَرَجْلِكَ» هم‌نشین است. این هم‌نشینی نشان می‌دهد که منظور از «استَفْزِرُ»، تحریک و گمراه کردن افراد به کمک ابزارهای مختلف مانند صدا، سواره‌ها و پیاده‌ها است. علامه طباطبائی این مفهوم را به تلاش شیطان برای وسوسه و فریب انسان‌ها نسبت داده و این آیه را نوعی هشدار درباره قدرت شیطان در گمراه کردن انسان‌ها می‌داند (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۷۲). قرطبی هم بیان می‌کند که «استَفْزِرُ» در این آیه به معنای فریب دادن و از راه راست خارج کردن انسان‌هاست و «صوت» شیطان به نمادهای وسوسه و تبلیغات او اشاره دارد (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۰، ص ۲۸۸). بنابراین تحریک شدید، گمراه کردن و وسوسه نمودن انسان توسط شیطان را می‌توان از مفاهیمی دانست که مقدمه شرکت شیطان در اموال و اولاد انسان و از لایه‌های معنایی آن به‌شمار می‌روند. همچنین می‌توان نتیجه گرفت که در این آیه عبارت «شارکه‌م» باید به معنای غیر از تحریک، گمراه یا وسوسه نمودن انسان توسط شیطان هم اشاره داشته باشد.

۲) «أَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجْلِكَ»؛ با سواران و پیادگانت بر آنان بتاز. «جلب» از ریشه «ج ل ب» مشتق شده است و در صیغه امر از باب افعال به کار رفته است. برخی جلب را به معنای گردآوری و حرکت دادن و «اجلاب» را به معنای برانگیختن همراه با فریاد و صدا می‌دانند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۹۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۶۸). صاحب قاموس المحيط «اجلاب» را به معنای بسیج کردن و گرد آوردن افراد زیاد دانسته است (فیروزآبادی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۲).

علامه طباطبائی در تفسیر این آیه می‌گوید: وقتی گفته می‌شود فالانی را جلب کردم، معنایش این است که او را کشاندم، همچنان که شاعر عرب هم گفته: «و قد يجلب الشئ البعيد الجواب»؛ گاه می‌شود که جواب چیز دوری را هم جلب می‌کند، ولی اگر به باب افعال برود، و گفته شود «اجلبت علیه» معنایش این می‌شود که از روی قهر بر سرش فریاد زدم... بنابراین معنایش این است که برای به راه انداختن آنان به سوی معصیت به لشگریانت اعم از سواره‌نظام و پیاده‌نظام دستور بده تا پیوسته بر سر آنان بزنند، و این گویا اشاره است به اینکه لشگریان شیطان بعضی‌شان تندکار و بعضی کندکارند، همچنان که وضع هر لشگری همین‌طور است، بعضی سواره و بعضی پیاده‌اند، پیاده‌ها را به کاری می‌گمارند که حاجت به سرعت عمل نداشته باشد (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۲۰۰).

بنابراین بسیج نیروهای شیطان به سمت انسان که به معنای به‌کارگیری تمام امکانات شیطان برای وسوسه کردن انسان است می‌تواند در شبکه معنایی «شارکه‌م» قرار گیرد. همچنین می‌توان نتیجه گرفت که این بخش هم تأکید دیگری بر آن هست که معنای «وشارکه‌م» فراتر و متفاوت از وسوسه و تحریک انسان توسط شیطان است.

۳) وَعِدْهُمْ؛ به آنها وعده بده. وَعِدْهُمْ از ریشه «و ع د» به معنای وعده دادن است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۲۲۷). خداوند بعد از فعل امر «وشارکه‌م» از شیطان می‌خواهد که انسان‌ها را به وسیله وعده‌ها دعوت کند. از این قسمت هم نتیجه می‌شود که دعوت به امور پلید و نفسانی در شبکه معنایی شرکت شیطان با انسان در اولاد و اموال قرار دارد.

۲-۶. جانشین‌های معنایی

همان‌طور که بیان شد واژه‌های جانشین برای یک واژه، درواقع کلمات یا عباراتی هستند که می‌توانند به جای آن واژه در بافت‌های مختلف استفاده شوند و معنای مشابه یا نزدیک به آن را منتقل کنند. این روش می‌تواند به درک عمیق‌تری از مفهوم واژه‌ها کمک کند و تناسب معنایی بین واژه‌ها را آشکار سازد. برای پیدا کردن واژه‌های جانشین باید با بررسی بافت‌های مختلف، کلمات یا عباراتی را پیدا نمود که در بافت‌های مورد نظر، معنی مشابه «وشارکه‌م فی الاموال و الاولاد» را منتقل نمایند. درواقع این بافت آیات و عبارات است که قرابت معنایی دو کلمه یا عبارت را ثابت می‌نماید.

به درجه‌ای برسد که محرک اصلی برای انجام شرارت، خود او باشد و این شیطان است که در سطحی نازل‌تر به مشارکت در طرح انسان اقدام می‌نماید.

با تکیه بر پنج نکته کلیدی فوق، در ادامه آیاتی را که در آنها جانشینی معنایی با «شرکت در اموال و اولاد» وجود دارد بررسی خواهیم کرد:

۱-۲-۶ نزدیکی (همنشینی)

خداوند متعال در آیه ۳۸ نساء می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا»؛ و کسانی که اموال خود را برای نشان دادن به مردم انفاق می‌کنند و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارند، و کسی که شیطان برای او همنشین شود، بد همنشینی دارد.

در این آیه کسانی که اموال خود را برای ریا به مردم انفاق می‌کنند همنشینان و نزدیکان شیطان خوانده شده‌اند. چنان‌که صاحب‌الطیبات بیان در تفسیر این آیه و در توضیح معنای قرین بودن شیطان با انسان در دنیا و آخرت می‌گوید: شخص مرایی، هم مشرک است که عمل خود را برای خوش‌آمد مردم می‌کند و لذا گفتند ریا، شرک خفی است، و هم منافق است که ظاهرش برای خدا و باطن برای خلق، و هم کافر است؛ زیرا اعتقاد به ثواب و اجر آخرتی ندارد، و هم فاسق است؛ زیرا ریا از گناهان کبیره است و عمل او هم باطل است، و لو در خلال او ریا بیاید و در قیامت هم او را به این چهار وصف خطاب می‌کنند (یا مشرک، یا کافر، یا منافق، یا فاسق)، برو اجر خود را از آنهایی که برای آنها کرده‌ای بگیر. پس شیطان قرین مرایی است هم در دنیا که او را اغوا کند و هم در آخرت که او را اذیت کند و بد قرینی است (طیب، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۸۰).

بنابراین معنای کلمه «قرین» (نزدیکی یا همنشینی) در چارچوب معنای تفسیری برای مشارکت شیطان در اموال و اولاد انسان قرار دارد. بنابراین بافت معنایی این آیه یادآور آیه ۶۴ اسراء است که در آن شیطان به شرکت با انسان‌ها در اموالشان امر شده است. در نتیجه می‌توان یک نوع قرابت معنایی میان مشارکت انسان و شیطان با نزدیکی و همنشینی آنها استخراج نمود. این نکته مهم نباید فراموش شود که رابطه همنشینی هم مانند رابطه مشارکت، یک رابطه دو طرفه است.

به‌طور طبیعی مشخص است که مفاهیمی مانند همکاری، همیاری، تبعیت، دوستی و... ازجمله مفاهیمی هستند که می‌توانند به نوعی قرابت معنایی با مفهوم شرکت یا مشارکت داشته باشند که البته باید دید می‌توان آنها را در بافت‌های معنایی مشابه با بافت معنایی آیه مورد نظر خود پیدا کنیم یا خیر؟ نکته سوم اینکه شرکت یا مشارکت از باب مفاعله، مفهومی است که دو طرف دارد، ازاین‌رو کلماتی مانند اغوی، مانند «أَغْوَيْتَهُمْ» در آیه ۳۹ حجر، زینت دادن، مانند «زَيْنَ» در آیه ۴۳ انعام، همراه کردن، مانند «أَضَلَّ» در آیه ۶۲ یس و... که غالباً به صورت یک‌طرفه از سوی شیطان بر انسان اعمال می‌شود، نمی‌تواند به‌عنوان یک جانشین معنایی کامل برای شرکت در اموال و اولاد انتخاب شود. هرچند می‌توان این کلمات را در لایه‌های ثانویه برای معنای «وشارکهم» در نظر گرفت؛ چراکه مشارکت شیطان با انسان در موارد زیادی بعد از تأثیرگذاری اولیه شیطان بر روی انسان صورت می‌گیرد.

نکته چهارم آنکه بررسی آیات و روایات نشان می‌دهد از نگاه قرآن، مشارکت شیطان با برخی انسان‌ها لزوماً نیاز به اغوا یا تأثیرگذاری از طرف شیطان ندارد؛ چراکه برخی ممکن است به حدی از گمراهی برسند که نیازی به وسوسه شیطان نداشته باشند؛ زیرا درواقع خود به شیطان تبدیل می‌شوند (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۳۲۱). چنان‌که در عبارت «شَيَاطِينُ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ»، آیه ۱۱۲ انعام به وجود شیاطین انسانی اشاره شده است. همچنین در حدیثی از پیامبر اکرم ﷺ هم آمده است: «أَنَّ الشَّيَاطِينَ اثْنَانِ: شَيَاطِينُ الْجِنِّ، وَشَيَاطِينُ الْإِنْسِ» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۹۲، ص ۱۳۶)؛ شیاطین دو دسته‌اند: شیاطین جن و شیاطین انس. که در بیان دیگری، شیطان انسی را خطرناک‌تر معرفی نموده و در جواب سوال اباذر از ایشان مبنی بر وجود شیطان انسی چنین می‌فرماید: «هُمْ شَرُّ مِنْ شَيَاطِينِ الْجِنِّ» (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۷، ص ۶۸). بنابراین از این طریق هم می‌توان نتیجه گرفت که مفهوم شرکت می‌تواند در بافت‌های معنایی مختلف، فراتر از مفاهیمی مانند اغوا یا زینت دادن باشد.

نکته پنجم آنکه در آیه مورد بحث ما پروردگار متعال خطاب به شیطان فرموده است که با انسان مشارکت کن نه خطاب بر انسان! با در نظر گرفتن سخن پیامبر ﷺ که شیاطین انس از شیاطین جن خطرناک‌تر هستند، حتی می‌توان حالتی را تصور نمود که یک انسان

۶-۲-۲ دوستی

در سوره نحل آیه ۱۰۰ آمده است: «إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ»؛ سلطه شیطان تنها بر افرادی است که او را دوست خود قرار می‌دهند و کسانی که با اغوای او (شیطان) مشرک می‌شوند.

کسانی که به اختیار خود شیطان را رفیق خود می‌سازند، و به‌جای اینکه بر خدای یگانه توکل کنند، شیطان را مورد توکل قرار می‌دهند؛ گویا، او را شریک خداوند می‌گردانند؛ و یا به ذریعه اغوای او چیزهای دیگر را شریک خدا مقرر می‌کنند؛ شیطان بر آنها تسلط و استیلای کامل پیدا نموده است (دیوبندی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۵۰۴).

همان‌گونه که در تفسیر بالا آمده است، سلطنت شیطان بر انسان تنها در صورتی است که خود انسان او را به عنوان رفیق یا دوست خود قرار دهد و یا در صورتی است که به خداوند شرک بورزد. این بافت معنایی بسیار به بافت معنای آیه ۶۴ اسراء نزدیک است. در این آیه خداوند در ابتدا به شیطان می‌فرماید: «و هر که از آنان را توانی با آواز خویش تحریک کن، و با سواران و پیادگانت بر آنان بتاز». درواقع در دو عبارت (۱) و (۲) که در بخش‌های قبلی مورد بررسی قرار گرفت، نوعی سلطه شیطان بر انسان محقق شده است و وقتی به قسمت سوم یعنی «و شارکهم فی الاموال و الاولاد» می‌رسیم، عملاً این سلطه به اتمام رسیده است و مرحله مشارکت و همکاری متقابل آغاز می‌شود. از این رو می‌توان، نوعی قرابت معنایی را میان «شرکت شیطان در امور زندگی انسان» و «دوستی شیطان و انسان» که در آیه ۱۰۰ نحل آمده است، استخراج نمود؛ چراکه در آیه ۱۰۰ نحل، تسلط شیطان بر کسانی ممکن دانسته شده است که دوستی با شیطان را برگزیده‌اند. نکته جالب این است که دوستی هم مانند مفهوم مشارکت، یک رابطه دو طرفه است و از این جهت قرابت معنایی با مفهوم مشارکت دارد.

۶-۲-۳ برادری کردن

در سوره اسراء آیه ۲۷ آمده است: «إِنَّ الْمُبْتَزِّينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا»؛ مسلماً اسراف‌کاران برادران شیطان هستند، و شیطان همواره نسبت به پروردگارش ناسپاس بوده است.

در این آیه، کسانی که در اموال و نعمات اسراف می‌کنند، به‌عنوان برادران شیطان معرفی شده‌اند. تبذیر و اسراف، با وجود آنکه از نظر معنا کاملاً معادل یکدیگر نیستند؛ چراکه اسراف بیشتر ناظر به

زیاده‌روی در مصرف است و تبذیر به مصرف نابجا و بی‌هدف اطلاق می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۰۷ و ۱۱۳)، اما در معنای کلی، هر دو مصداقی از استفادة نادرست از اموال‌اند؛ مفهومی که همسو با معنایی است که در تفاسیر، به‌ویژه در این مقاله از آیه ۶۴ اسراء درباره کلمه «شارکهم» آورده شده است.

علامه طباطبائی هم در تفسیر این آیه درباره معنای اخوان الشیاطین آورده است: «گویا وجه برادری مبذرین و اسراف‌کنندگان با شیطان‌ها این باشد که اسراف‌کاران و شیطان از نظر سنخیت و ملازمت مانند دو برادر مهربان هستند که همیشه با هم‌اند، و ریشه و اصلشان هم یک پدر و مادر است» (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۱۱). بنابراین می‌توان برادری انسان و شیطان را نوعی جانشین معنایی برای مشارکت شیطان و انسان دانست. نکته‌ای که باید دوباره به آن اشاره نماییم این است که مفهوم برادری نیز یک رابطه دو طرفه است که این ویژگی در مفهوم مشارکت هم وجود دارد.

۶-۲-۴ تحزب

خداوند در آیه ۱۹ مجادله می‌فرماید: «اسْتَخْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ»؛ شیطان بر آنها مسلط شده؛ در نتیجه یاد خدا را فراموش کرده‌اند. آنها از حزب شیطانند. بدانید که حزب شیطان از زیان‌کارانند. آیت‌الله مشکینی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «شیطان بر آنها (منافقان) مستولی شده، پس یاد خدا را از خاطرشان برده است. نه به زبان و نه به دل یاد خدا نیستند و غافل محض‌اند. آنان حزب و لشکر و پیروان شیطان‌اند، آگاه باش که حزب و سپاه و تابعان شیطان، همان زیانکاران‌اند که بهشت جاوید را از دست داده و در عذاب مخلدند. آری کسانی که به خاطر وساوس شیطانی و علایق دنیوی به کلی از یاد خدا غافل شوند، به مرتبه‌ای که هیچ تنبیهی نیابند، سپاه و تابعان شیطان‌اند، و زیانکار خواهند بود، که سرمایه عمر و سعادت ابدی را از دست داده، به پیامد عقاید و اعمال نادرست و بد خود گرفتار می‌آیند» (مشکینی، ۱۳۹۲، ج ۸، ص ۱۴۵).

یکی از مفاهیم نزدیک به مفهوم مشارکت به‌خصوص در حوزه فعالیت‌های اجتماعی، مفهوم تحزب است. همان‌طور که در تفسیر فوق آمد، خداوند متعال در آیه ۱۹ مجادله در مورد کسانی که شیطان بر آنها چیره شده است، می‌فرماید که آنها سپاه شیطان یا همان

منابع

- قرآن کریم.
- ابن عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰ق). تفسیر التحرير و التنوير. تونس: دار التونسيه للنشر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بيروت: دار صادر.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵ق). البرهان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه بعثت.
- بصمه جی، سایر (۱۳۸۸). معجم مصطلحات ألفاظ الفقه الإسلامی. دمشق: صفحات للدراسات و النشر.
- پالمر، فرانک رابرت (۱۳۹۱). نگاهی تازه به معنی‌شناسی. ترجمه کوروش صفوی. چ ششم. تهران: نشر مرکز.
- جزیری، عبدالرحمن (۱۴۲۶ق). الفقه علی المناهض الأربعة. بيروت: المكتبة العصرية.
- حسکانی، عبید بن عبدالله (۱۴۱۱ق). شواهد التنزيل لقواعد التفضیل. تهران: مؤسسه طبع و النشر.
- حلی، حمد بن محمد (۱۴۰۷ق). عده الداعي و نجاح الساعي. قم: دار الكتاب الاسلامی.
- دیوبندی، محمود حسن (۱۳۸۵). تفسیر کابلی از دیدگاه اهل سنت. تهران: احسان.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ قرآن. دمشق: دار القلم.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷). تفسیر قرآن مهر. قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- رکعی، محمد و نصرتی، شعبان (۱۳۹۶). میدان‌های معنایی در کاربست قرآنی. قم: دارالحديث.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). تفسیر الکشاف. بيروت: دار الكتاب العربی.
- صابونی، محمدعلی (۱۳۸۳). صفوة التفاسیر. ترجمه محمدطاهر حسینی. تهران: احسان.
- صدرالمآلهین (۱۹۸۱م). الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة. بيروت: دار احیاء التراث العربی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۸). تفسیر المیزان. قم: جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷). تفسیر جوامع الجامع. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹). اطیب البیان فی تفسیر القرآن. تهران: اسلام.
- فیروزآبادی، محمدبن یعقوب (۱۳۷۴). القاموس المحيط. بيروت: دارالکتب العلمیه.
- قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قرطبی، ابوعبدالله (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن. تهران: ناصر خسرو.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۲). بحار الانوار. بيروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- مشکینی، علی (۱۳۹۲). تفسیر روان. قم: دارالحديث.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). کلیات علوم اسلامی. تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۸۰). تفسیر نمونه. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- میردامادی، مجید و صابری، فیاض (۱۳۸۹). رابطه مفهوم و مصداق در نظام فلسفی صدرالمآلهین. خردنامه، ۶۱، ۹۱-۱۰۷.
- نجار، محمدعلی (۱۳۶۸). المعجم الوسیط. استانبول: دار الدعوة.

حزب شیطان هستند. این بافت معنایی قرابت زیادی با بافت معنایی آیه ۶۴ اسراء دارد که خداوند عزوجل به شیطان می‌فرماید: پس از تحریک انسان‌ها و چیره شدن بر آنها توسط سربازان خود، به مشارکت و شرکت در اموال و اولاد آنها بپرداز.

نکته جالب این است که مفهوم تحزب هم مانند مفهوم مشارکت یک رابطه دو طرفه یا بیشتر را می‌رساند. بنابراین به نظر می‌رسد یکی از قرابت‌های معنایی مشارکت شیطان با انسان در قرآن می‌تواند عضویت انسان در حزب شیطان و گوش به فرمان او بودن باشد.

نتیجه‌گیری

در قرآن، واژگان برگرفته از ریشه «شَرک» در مجموع ۱۶۹ بار به کار رفته که ۱۶۳ مورد از آن به شرک به خلوند مربوط است و تنها ۶ مورد دیگر به معنای مشارکت بین موجودات غیر الهی اشاره دارد. در این میان، مشارکت شیطان با انسان در یک امر، تنها یک بار و در آیه ۶۴ اسراء ذکر شده است.

تحلیل این آیه و قرینه‌های قرآنی نشان می‌دهد که مشارکت شیطان در اموال و اولاد، می‌تواند هم ناظر به خاستگاه و منشأ این اموال و فرزندان باشد و هم به چگونگی بهره‌برداری از آنها و جهت‌گیری‌های تربیتی و ارزشی انسان مربوط شود. این مشارکت، در متن قرآن با مفاهیمی همچون عضویت در حزب شیطان، نزدیکی و دوستی با او، و پیروی از مسیر فکری‌اش هم‌راستا دانسته شده است.

در آیه مذکور، افعالی مانند تحریک، جلب و وعده دادن، رفتارهایی هستند که نحوه این مشارکت را توضیح می‌دهند و به نوعی، شیوه نفوذ شیطان در حوزه‌های مختلف زندگی انسان را تبیین می‌کنند. مفهوم این مشارکت، محدود به دعوت‌های ظاهری یا وسوسه‌های سطحی نیست، بلکه ابعادی گسترده‌تر دارد که از کنش‌های فردی فراتر رفته و می‌تواند ناظر به ساختارهای اجتماعی، جهت‌گیری‌های تربیتی، و حتی روابط قدرت در جوامع انسانی باشد.

در این پژوهش، تلاش شد با بهره‌گیری از مجموعه‌ای از تفاسیر معتبر و تحلیل‌های ناظر به مسائل معاصر، ابعاد گوناگون مشارکت شیطان با انسان شناسایی و طبقه‌بندی شود. این طبقه‌بندی صرفاً بر مبنای مصادیق مشخص، و بدون تعمیم به سطوح انتزاعی یا لایه‌بندی‌های مفهومی، سامان یافته است. بدین ترتیب، از تقلیل این مفهوم به سطحی فردی پرهیز شده و با توجه به بافت اجتماعی، سیاسی، و تربیتی آیات، تفسیری جامع‌تر از مشارکت شیطان ارائه شده است.